

عدالت در شعر مشروطه

مریم بهرامیان فاعل

www.ketab.ir

تهران - ۱۴۰۱

نشر زرین اندیشمند



سرشناسه: بهرامیان فاعل، مریم، ۱۳۵۲-

عنوان و نام پدیدآور: عدالت در اشعار مشروطه / مریم بهرامیان فاعل.

مشخصات نشر: تهران: زرین اندیشمند، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۲۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۱-۴۴-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۲۳.

موضوع: شعر فارسی -- ایران -- قرن ۱۳ ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- Iran -- ۱۹th century -- History and criticism

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ ق -- شعر -- تاریخ و نقد

موضوع: Poetry -- History -- Iran -- ۱۹۰۹ - ۱۹۰۶, Constitutional Revolution, Iran -- History

and criticism

رده بندی کنگر: PIR۳۷۹۱

رده بندی دیویی: ۵۰۹/۱۴۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۳۰۴۹۰

www.ketab.ir



نشر زرین اندیشمند

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، مابین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، طبقه ۵، واحد ۱۹

شماره تماس: ۰۹۹۰۵۴۴۵۰۰۶ - ۶۶۱۷۶۰۸۷

وبسایت - Andishmandpub.com - پست الکترونیکی: Andishmand.pub@gmail.com

عدالت در شهر مشروطه

مریم بهرامیان فاعل

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه / ناشر: نشر زرین اندیشمند

ویراستار و صفحه آرا: فاطمه نیروی آغمیونی / طراح جلد: ریحانه عامری پویا

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۱-۴۴-۶

بها: ۶۶۰۰۰۰ ریال

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



اسکن کنید!

فهرست

۸.....	مقدمه
۲۴.....	برخی آثار عدالت اجتماعی
۲۴.....	هم‌نشینی رسول خدا
۲۴.....	حفظ دین و مرزهای مسلمانان
۲۴.....	ثبات دولت
۲۵.....	عدالت، عامل کسب منزلت و ارزش اجتماعی
۲۵.....	شرکت مردم در همه امور مربوط به حاکمیت
۲۵.....	شکست دشمن
۲۵.....	پایداری مردمان
۲۶.....	پایداری نعمت‌ها
۲۶.....	آرامش دل‌ها
۳۴.....	جناح‌های عمده ادبی در دوران مشروطه
۳۷.....	نگاهی کوتاه به زندگی ملک الشعرای بهار
۴۰.....	نگاهی کوتاه به عارف قزوینی
۴۴.....	نگاهی کوتاه به زندگی نسیم شمال
۴۸.....	نگاهی کوتاه به زندگی ایرج میرزا
۵۲.....	نگاهی کوتاه به زندگی میرزاده عشقی
۵۶.....	عدالت در اشعارشاعران مشروطه
۵۷.....	عدالت در اشعار ملک الشعرای بهار
۵۷.....	عدالت‌خواهی و نتایج سودمند آن
۶۴.....	انتقاد از دربار و دولت در جهت عدالت اجتماعی
۶۵.....	ظلم ستیزی و رفع ظلم و جور
۶۸.....	لزوم عدالت ورزی و توجه به قشر محروم و کارگر
۷۰.....	انتقاد از دخالت‌های بیگانگان در امور کشور در جهت عدالت سیاسی
۸۱.....	نمودار دایره‌ای از اشعار ملک الشعرای بهار

۸۳.....	عدالت در اشعار عارف قزوینی
۸۳.....	عدالت‌خواهی و نتایج سودمند آن
۸۶.....	انتقاد از دربار و دولت در جهت عدالت اجتماعی
۹۱.....	ظلم ستیزی و رفع ظلم و جور
۹۲.....	لزوم عدالت ورزی و توجه به قشر محروم و کارگر
۹۳.....	انتقاد از دخالت‌های بیگانگان در امور کشور در جهت عدالت سیاسی
۹۷.....	نمودار دایره‌ای از اشعار عارف قزوینی
۹۹.....	عدالت در اشعار ایرج میرزا
۹۹.....	عدالت‌خواهی و نتایج سودمند آن
۱۰۰.....	انتقاد از دربار و دولت در جهت عدالت اجتماعی
۱۰۱.....	ظلم ستیزی و رفع ظلم و جور
۱۰۲.....	لزوم عدالت ورزی و توجه به قشر محروم و کارگر
۱۰۳.....	انتقاد از دخالت‌های بیگانگان در امور کشور در جهت عدالت سیاسی
۱۰۷.....	نمودار دایره‌ای از اشعار ایرج میرزا
۱۰۹.....	عدالت در اشعار نسیم شمال
۱۰۹.....	عدالت‌خواهی و نتایج سودمند آن
۱۱۱.....	انتقاد از دربار و دولت در جهت عدالت اجتماعی
۱۱۵.....	ظلم ستیزی و رفع ظلم و جور
۱۱۶.....	لزوم عدالت ورزی و توجه به قشر محروم و کارگر
۱۳۲.....	نمودار دایره‌ای نسیم شمال
۱۳۴.....	عدالت در اشعار میرزاده‌ی عشقی
۱۳۴.....	عدالت‌خواهی و نتایج سودمند آن
۱۳۷.....	ظلم ستیزی و رفع ظلم و جور
۱۴۰.....	لزوم عدالت ورزی و توجه به قشر محروم و کارگر
۱۴۱.....	انتقاد از دخالت‌های بیگانگان در امور کشور در جهت عدالت سیاسی
۱۴۶.....	نمودار دایره‌ای میرزاده‌ی عشقی
۱۴۹.....	نتیجه‌گیری

مقدمه

امروزه یکی از وظایفی که برای ادبیات تعریف می‌شود تعهد اجتماعی آن نسبت به جامعه است. این تعهد اجتماعی در گذشته نیز کارایی داشته بدین صورت که شاعران ادبیات فارسی در زمان گذشته نیز گاهی به دربار سامانیان تاخته، گاهی به درباره غزنه، گاهی معترض حمله‌ی مغول بوده و گاهی سر درگریان خلوت گزیده است. گاهی به زاهدان دروغین و صوفیان ریایی طعن زده و گاهی به شاهان و درباریان چهار...

اما اگر تمام آثار در این دوران‌ها کنار هم گذاشته شوند به پای ادبیات معترض مشروطه نمی‌رسند. ادبیاتی که در سال‌های مشروطه پا گرفت و به ادبیات بیداری شهرت یافت در تمام ابعاد اجتماعی دخیل شد. در اعتراض به حضور بیگانگان در کشور، خواستن عدالت سیاسی و اجتماعی، در برپایی مجلس و قانون اساسی و حکومت مشروطه، در اعتراض به ظلم و بیداد شاه و دربار به مردم، همچنین حق آموزش و حضور زنان در جامعه. عدالت یکی از مضامین پر کاربرد ادبیات این دوره است که به معنای مساوات و انصاف داشتن به کار گرفته شده است. عدالت موضوعی فرا تاریخی و انسانی است که مربوط به مذهب خاصی نیست. در اصطلاح عدالت را رعایت حقوق افراد و عطا کردن آن به هر کس را که محق آن است می‌گویند. و فقدان این حقوق بی‌عدالتی و نارضایتی را در پی خواهد داشت.

در اسلام نیز به عدالت و دادگری بسیار توجه شده است و آن یکی از اصول دین شناخته شده است. عدالت از اصول و سنت‌های تغییرناپذیر الهی است که

بر قوانین الهی دین حکم فرماست. بر پایی عدالت در جامعه آثار و برکات زیادی دارد که از آن جمله می‌توان به حفظ دین و مرزهای مسلمانان، ثبات دولت، کسب منزلت و ارزش اجتماعی و از بین رفتن فساد اخلاقی و اجتماعی را نام برد. منظور از عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی روش کمونیست‌ها و مساوات مدنظر آن‌ها نیست بلکه تأمین امنیت و حقوق همه‌ی مردم از دست ستمگران و زورگویان است. همچنین زمینه‌سازی برای آموزش همه‌ی افراد جامعه و دادن فرصت‌های برابر برای رشد آنان است. ادبیات مشروطه با نگاه خود به افراد جامعه در صدد زنده کردن تمامی این حقوق از دست رفته‌ی مردم بود. تا آن زمان شاه ظل‌الله بود و کسی حق اعتراض و عدالت‌خواهی نداشت و هر چه بود کرم شاه و انسانیت او بود که گاهی نمود پیدا می‌کرد و به رعیت توجه نشان میداد و حق او را رعایت می‌کرد مانند انوشیروان و وکیل‌الرعا که به عدالت شهره شدند و نام‌شان ماندگار شد. اما در دوره‌ی مشروطه دیگر خبری از عنایت شاهانه نبود بلکه مردم عدالت و داشتن عدالت‌خانه را حق خود می‌دانستند و برای احقاق آن می‌جنگیدند.

و پایه‌پای آن‌ها نیز شاعران و نویسندگان بزرگی مانند ملک‌الشعرا بهار، میرزاده عشقی، ایرج میرزا، نسیم شمال و عارف قزوینی برای بیداری مردم تلاش کردند، شعر سرودند، مبارزه کردند در نهایت نیز تبعید یا کشته شدند. آن‌ها مضامین سیاسی و خواسته‌های اجتماعی خود را به صورت‌های گوناگون مانند طنز، کنایه‌های نیش‌دار و استعاره‌ها و گاه به زبان نمادین و غیرصریح بیان کردند و گاه به مدح و ستایش موضوعاتی مانند عدالت و برقراری قانون پرداختند تا بلکه کمتر مورد آزار قرار گیرند که البته نشد و اتفاقات ناخوشایندی برای بیشتر ستایشگران آزادی و عدالت پیش آمد، اما آن‌ها باز دست بردار نبودند و هیچ‌گاه

سکوت نکردند. گاهی تمام هنرشاعری آن‌ها خرج عقیده و اعتقادات‌شان شد. مانند میرزاده‌ی عشقی، نسیم شمال و عارف که هر کدام مورد بدترین آزارها قرار گرفتند و گاهی مانند ملک‌الشعرای بهار به تبعید فرستاده شدند و عزلت و گوشه‌نشینی سهم آنان شد.